

عنوان مقاله:

بررسی سیر تحول نظری مفهوم فرهنگ سیاسی و ارتباط آن با سیاست فرهنگی

محل انتشار:

دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهشهای نوین در علوم انسانی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

قربانعلی سبکتکین ریزی - عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه خوارزمی

منصوره افقهی - دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی

محمد حسین زاده - کارشناس ارشد انسان شناسی

خلاصه مقاله:

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و توجه به فرهنگ در بستر سیاسی نظریه های فرهنگ سیاسی نیز به عنوان وسیله ای برای انتقال بحث از سطح تحلیل روانشناسانه خرد و فردی به سطح تحلیل اجتماعی و فرهنگ محور در قلب تحلیل ها و نظریه پردازی های توسعه سیاسی مورد توجه واقع شد بطور کلی تعاریف و مفهوم بندی های متعدد و متفاوت فرهنگ شکل گیری سنت ها و رهیافتهای متفاوتی را امکان پذیر کرده است که معمولا ازدوسنت مردم شناسانه انسان شناختی و رفتارگرایانه روانشناختی در تبیین مفهوم فرهنگ سیاسی یاد می کنند در نوشتار حاضر به بررسی عوامل تاثیر گذار در پیدایش تداوم و تغییر فرهنگ سیاسی و سیر تحول نظری آن می پردازیم و ضمن اشاره به نگاه دوسنت یاد شده به مقوله فرهنگ از تحلیل و تبیین مفهومی و نظری مقلوه فرهنگ سیاسی با توجه به رویکرد نظریه فرهنگی سخن می گوئیم در این رویکرد سطح تحلیل افراد هستند و در اینجا فرد در مقام خرده گروه مورد مطالعه قرار میگیرد و نه بصورت منفرد همچنین از این دیدگاه فرهنگ سیاسی پویا و زنده است و مدام در حال تغییر تعدیل و با دگرگونی است و افراد نیز فرایند جامعه پذیری اجتماعی و سیاسی را در تمام طول زندگی خود دریافت می کنند به این ترتیب فرهنگ چونان نظامهای معنایی مشترک در فرایند جامعه پذیری تعریف میشود نه به مانند نگرش و باورهای فردی در انتها به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و سیاست فرهنگی می پردازیم و آن چیزی که بیشتر از سایر عوامل در این رابطه تاثیر گذار است تعریف و برداشت از خود فرهنگ است بر حسب اینکه نگاه کل گرایانه یا کارکرد گرایانه به مقوله فرهنگ داشته باشیم سیاست فرهنگی و متعاقب آن فرهنگ سیاسی موثر بر آن متفاوت خواهد بود

کلمات کلیدی:

فرهنگ سیاسی ، تحول نظری ، سنت روانشناسانه ، سنت انسان شناسانه ، سیاست فرهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/390709>

